

غزاله زرین زاده

۱

شاعر دایره‌ها شده‌ام!
سطر به سطر
که مرا ندیدی
دایره بستم خطوط را
تا هر روز زیر و رو کنی
واژه‌ها را
که به اضطراب عادت کرده‌اند!

۲

پنجره‌ی تو را بسته‌ام
تا دیوارهایم را
فرو نریزی
وقتی شناور می‌شود حس‌ات
از لای پرده اتاقم
تا رومیزی گلدان روی میزم
که می‌چرخد به دور قفسه کتاب و
به صدا در می‌آورد گیتار را
قهوه‌ی تو دم کشیده است!
و من روی مبل پارچه‌ای دستبافی
تو را زندانی کرده‌ام
و تو پنجره مرا!